



چهارشنبه 25 تیر 1399-23 ذی قعدة 1441-15 جولای 2020

پناهندگی محمدعلی شاه قاجار به سفارت روس در پی تصرف تهران توسط مشروطه طلبان (1288ش)

پناهندگی محمدعلی شاه قاجار به سفارت روس، در پی تصرف تهران توسط مشروطه طلبان (1288ش)، محمدعلی شاه قاجار پس از به دست گرفتن قدرت، همواره از روس و حمایت می کرد و آنان نیز به او کمک می کردند. در جریان به توپ بستن مجلس نیز، فرمانده قشون ایران را لیاخوف روسی برعهده داشت. از این رو، وقتی که آزادی خواهان تهران را فتح کردند، محمدعلی شاه خود را در برابر آنان ناتوان یافت و برای در امان ماندن از دست مشروطه طلبان، به سفارت روس پناه برد. لیاخوف روسی، فرمانده قزاقان که این موضوع را شنید، به حضور فرماندهان فاتح تهران رسید و شمشیر خود را به عنوان تسلیم، در مقابل آنان بر زمین نهاد. در ساعت چهار بعد از ظهر همان روزی که تهران فتح شد، جلسه مهمی با حضور پانصد تن از نمایندگان مجلس و بزرگان پایتخت و آزادی خواهان معروف در بهارستان منعقد گشت. این مجلس تاریخی که تحت عنوان "مجلس عالی فوق العاده" انعقاد یافت، محمدعلی شاه را که به سفارت روس پناه برده بود، از سلطنت مستعفی شناخت و پسر او سلطان احمد میرزا ولیعهد را به سمت شاهنشاهی ایران اعلام کرد. بدین ترتیب دروه استبداد صغیر که يك سال و بیست و دو روز به طول انجامیده بود به پایان رسید. محمدعلی شاه، مدت 57 روز در سفارت روس پناهنده بود و سرانجام او را به خواری از ایران راندند و از آن پس در بندر ادسا در کنار دریای سیاه در کشور روسیه مسکن گزید.

استعفای دکتر مصدق از نخست وزیری و انتخاب قوام السلطنه به اد، مقام توسط شاه (1331 ش)، دکتر محمد مصدق در روز 25 تیر ماه 1331 ش، با شاه ملاقات کرد و لیست وزیران خود را تسلیم محمدرضا پهلوی نمود. در این دیدار، مصدق از شاه درخواست کرد تا پست وزارت جنگ هم با او باشد. زیرا مدعی بود که نظامیان به حرف او اهمیت نمی دهند و در کارها، کارشکنی می کنند و با این وضعیت، دولت نمی تواند به فعالیت خود ادامه دهد. شاه با واگذاری وزارت جنگ به مصدق موافقت نکرد و مصدق به خانه بازگشت و بدون مشورت با احدی، استعفای خود را برای شاه فرستاد. در نتیجه، شاه، قوام السلطنه را به نخست وزیری برگزید و او نیز در اولین روز زمامداری خود با انتشار اعلامیه ای، برخورد قاطع دولت با مخالفانش را اعلام نمود. اقدامات قوام که مورد حمایت همه جانبه شاه بود، مردم و علما را به صحنه کشاند و سرانجام این وقایع، زمینه رزمی و ساز حضور گسترده مردم در قیام تاریخی 30 تیر 1331 و بازگشت مصدق به قدرت گردید.

جلسه مهم سازمان نظام دیبا، تصمیم گیری در مورد سدهشت جنگ (1367 ش)، در ماه های آخر جنگ، حمایت جهانی از عراق به اوج رسید و آمریکایی ها، عملاً و به طور مستقیم وارد صحنه شدند. در این حال، علاوه بر آن که سیل کمک های مالی و تسلیحاتی از جانب فرانسه، روسیه، کویت، عربستان و دیگر هم پیمانان عراق، علیه ایران به کار گرفته می شد، عراقی ها نیز به طور وسیع مناطق مسکونی و جبهه ها را بمباران شیمیایی می کردند و مجامع بین المللی با سکوت خود این جنایات را تایید می نمودند. در این میان، حضرت امام خمینی (ره)، از همه این امور مطلع شدند و پس از کسب گزارش های مختلف، به این نتیجه رسیدند که قطعنامه 598 را بپذیرند، هرچند که این کار به تعبیر امام (ره) به منزله نوشیدن جام زهر بود. در نهایت، در روز 25 تیرماه 1367، جلسه مهمی با حضور سران سه قوه و اعضای مجلس خبرگان، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی برای بررسی مسائل مهم کشور در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد. در این جلسه پیشنهادهایی از جمله وساطت الجزایر، سازمان کنفرانس اسلامی و پاکستان مطرح شد که مورد تصویب قرار نگرفت و در نهایت قرار بر این شد که پذیرش قطعنامه 598 رسماً به شخص دبیرکل سازمان ملل و با امضای رییس جمهور وقت، اعلام شود. سرانجام در 26 تیرماه 1367، نامه ریاست وقت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پذیرش قطعنامه، توسط نماینده دایم ایران در سازمان ملل به دبیرکل سازمان در خانه او تسلیم شد و فردای آن روز به طور رسمی اعلام گردید.

آغاز هفته بهزیستی تا پیش از پیروزی انقلاب، تشکیلات متمرکزی برای ارائه خدمات بهزیستی وجود نداشت. پس از پیروزی انقلاب، سازمان بهزیستی کشور در 24 تیر 1359 بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب اسلامی تشکیل شد و با تلاش مستمر شهید دکتر محمدعلی فیاض بخش، به ارگانی دولتی و کارآمد برای خدمت به محرومان و مستضعفان کشور تبدیل گردید. این سازمان، به منظور نیل به اهداف خود، با اتخاذ تدابیر لازم و حمایت های گوناگون از کودکان نیازمند، زنان و کودکان بی سرپرست و نیز ارائه خدمات توانبخشی به معلولان جسمی و ذهنی، مبتلایان به بیماری های صعب العلاج، معتادان و ناسازگاران اجتماعی و همچنین پیشگیری از معلولیت ها و آسیب های اجتماعی و... با توجه به حفظ ارزش ها و کرامت والای انسانی و تکیه بر تعاون و همیاری مردم نیکوکار و همکاری های نزدیک روحانیون متعهد و سایر افشار دلسوز کشور تلاش می کند.

25 تیرماه هر سال در کشورمان ایران "روز بهزیستی و تامین اجتماعی" نامگذاری شده است. سازمان بهزیستی کشور، به موجب لایحه قانونی سال 1359 در جهت تحقق مفاد اصول ۳، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در

منه تحقق. عدالت اجتماعی تشکیل شده است.

۹۰: تأمین اجتماعی
نظامی برای بازنشستگی به وجود آمد. در این قانون، سه اصل تأمین اجتماعی که عبارت بودند از فراهم نمودن حقوق و تأمین خاص؛ برای کسانی که پس از خدمت، توانایی فعالیت خود را از دست می دهند، مقرر؛ برای کسانی که به علت حادثه ای، علیل و از کار افتاده شوند و حمایت کارفرمایان؛ از خانواده هر مستخدم که فوت شود، به چشم می خورد. در اولین اقدام، طرح تشکیل صندوق احتیاط کارگران راه آهن؛ در سال ۱۳۰۹ به تصویب دولت رسید. در این مصوبه، دولت تسهیلات خاصی را برای کارگران ضایعه دیده یا فوت شده در حین احداث راه آهن پیش بینی کرد. در سال ۱۳۱۵؛ نظام نامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی؛ برای کارگران بخش صنعت به تصویب هیأت دولت رسید. در سال ۱۳۲۵، قانون کار از تصویب هیأت دولت گذشت. طبق این قانون، کارفرمایان، علاوه بر اینکه مکلف به رعایت قانون بیمه کارگران بودند، بایستی دو صندوق شامل صندوق بهداشت (برای کمک به کارگر در مورد بیمه ای که ناشی از کار نباشد) و صندوق تعاون (برای کمک در امور ازدواج، عایله مندی، بیکاری، از کار افتادگی، بازنشستگی، حاملگی و غیره) را در هر کارگاه تشکیل می دادند. در سال ۱۳۲۸، وزارت کار رسماً تأسیس گردید و طبق ماده ۱۶ قانون کار مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۲۸، مقرر شد صندوقی به نام؛ صندوق تعاون و بیمه کارگران؛ برای معالجه و پرداخت غرامت کارگران تشکیل شود. در ادامه در اواخر سال ۱۳۳۱ و در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق،؛ لایحه قانونی بیمه های اجتماعی کارگران؛ برای اولین بار به تصویب رسید و طبق آن سازمان مستقلی به نام؛ سازمان بیمه های اجتماعی کارگران؛ تأسیس شد. این سازمان مکلف و متعهد شد کمک ها و مزایای مقرر در لایحه را در مورد کارگران و کارمندانی که بیمه می شدند، اعمال کند. در پی مجموعه تحولات یادشده، به موجب تصویب نامه ای که در فروردین ۱۳۴۲ به تصویب هیأت وزیران رسید، سازمان بیمه های اجتماعی کارگران به؛ سازمان بیمه های اجتماعی؛ تغییر نام یافت تا زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی به فعالیت خود ادامه دهد.؛ بیمه های اجتماعی روستاییان؛ در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسید که در سال ۱۳۵۴ در سازمان تأمین اجتماعی ادغام شد. در سال ۱۳۵۱ با تصویب قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمان دولت،؛ سازمان تأمین خدمات درمانی؛ تشکیل شد. تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، تحول دیگری بود که در سال ۱۳۵۳ روی داد. این وزارتخانه، تقریباً تمامی امور مربوط به بیمه درمان و رفاه اقشار مختلف جامعه را تحت پوشش خود قرار داد. در این میان، تصویب؛ قانون تأمین اجتماعی؛ در تیرماه ۱۳۵۴ و تشکیل؛ سازمان تأمین اجتماعی؛ را می توان آغازگر تحولی نو در نظام تأمین اجتماعی کشور دانست. در سال ۱۳۵۵ با تصویب قانونی که منجر به انحلال وزارت رفاه و تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی شد، سازمان تأمین اجتماعی به؛ صندوق تأمین اجتماعی؛ تغییر نام داد و تعهدات و امکانات درمانی آن به وزارت بهداری و بهزیستی محول شد. اما این تغییر، چندان دوام نیاورد و با تصویب لایحه ای در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸، سازمان تأمین اجتماعی دوباره احیا گردید. بعد از انقلاب با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر قانون اساسی، مبحث؛ تأمین اجتماعی؛ به طور صریح به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راه یافت. در اصل ۲۹ این قانون آمده است:؛ برخورداری از تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، حوادث و سوانح و نیاز به مراقبت های بهداشتی و درمانی به صورت بیمه ای و غیربیمه ای، حقی است همگانی و دولت موظف است خدمات و حمایت های فوق را برای یکایک افراد فراهم نماید.؛ با این حال، تا سال های پایانی جنگ تحمیلی، تغییرات خاصی در حوزه تأمین اجتماعی صورت نپذیرفت و تنها استثنا را می توان تصویب قانون بیمه بیکاری در سال ۱۳۶۶ دانست. اما با شروع برنامه های توسعه، تأمین اجتماعی به صورت جدی در دستورکار برنامه ریزان قرار گرفت. در همین راستا، در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲)، دو دیدگاه بیمه ای (اشاره به مشارکت مردم) و دیدگاه حمایتی (اشاره به وظیفه دولت) مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۶۷ قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه شدگان به تصویب رسید که با کاهش سن و سابقه موردنیاز برای بازنشستگی، فشار مالی بسیار سنگینی را به صندوق تأمین اجتماعی وارد کرد. در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانونی، ارایه تعهدات درمانی و اداره امور مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی از وزارت بهداشت، منتزع و به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد. در برنامه دوم (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸)، نگاه جامع تری به مقوله تأمین اجتماعی وجود داشت. در این برنامه در قالب دو نظام حمایتی، یکی مبتنی بر اشتغال و بیمه (برای افرادی که توان کسب درآمد کافی و مشارکت در امر تأمین اجتماعی را دارند) و دیگری نظام حمایت های اجتماعی غیربیمه ای (برای افرادی که کم درآمد یا نیازمند هستند)، به سامان دهی نظام تأمین اجتماعی پرداخته شد. پس از آن، با تصویب قانون بیمه همگانی خدمات درمانی در سال ۱۳۷۳، تحولاتی در نظام بیمه خدمات درمانی کشور پدید آمد که تأثیرات مهمی بر سازمان تأمین اجتماعی گذاشت. در همین راستا، در سال ۱۳۷۶ قالیبافان خانگی فاقد کارفرما و در سال ۱۳۷۹ رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری، تحت پوشش این سازمان درآمدند.

۹۱: زبانی امام رضا(ع)
بیست و سوم دیقعه روز زیارتی امام رضا(ع) و به روایتی شهادت آن حضرت در طوس از سوی مأمون عباسی است. البته قول مشهور در شهادت آن امام همام روز آخر ماه صفر سال ۲۰۳ قمری یعنی دو سال پس از آوردن آن حضرت از مدینه به خراسان و یک سال و اندی پس از صدور فرمان ولیعهدی به نام آن حضرت، از سوی مأمون عباسی

هقهه غزه ی "ن"؛ rlm& قبطه" به فرماندهی، سامد اسلام (ص)، (59 ق)، یهودیان طایفه؛ rlm& ی بنی؛ rlm& قریظه که با مسلمانان مدینه، پیمان دفاعی برقرار کرده بودند، پس از هجوم جبهه؛ rlm& متحد استکبار، متشکل از یهودیان، مشرکان قریش و طوایف دیگر عرب به شهر مدینه و وقوع نبرد سرنوشت ساز خندق (جنگ احزاب)، نسبت به مسلمانان، مرتکب خیانت شده و موجب تقویت جبهه؛ rlm& ی کفر و شرک و تضعیف روحیه؛ rlm& ی مسلمانان مدینه گردیدند. به همین جهت، پس از پیروزی مسلمانان در جنگ احزاب با قهرمانی؛ rlm& های مولای متقیان امام علی؛ rlm& بن ابیطالب (ع)، مسلمانان به فرمان پیامبر اکرم (ص) بلاد رنگ به سوی قلعه؛ rlm& ی بنی؛ rlm& قریظه رهسپار گردیدند و آنان را به مدت 15 (و به روایتی 25) روز در محاصره؛ rlm& ی خویش گرفتند. سرانجام سران طایفه؛ rlm& ی بنی؛ rlm& قریظه چاره؛ rlm& ای جز تسلیم ندیده و به داوری سعد بن؛ rlm& معاذ یکی از صحابه؛ rlm& ی بزرگ پیامبر، رضایت دادند. سعد بن معاذ، اشد مجازات را که قتل مردان جنگی قبیله بود برای آنان پیشنهاد نمود که مورد پذیرش پیامبر اکرم (ص) واقع گردید. به این صورت، فتنه و خیانت، از ریشه خشکانیده شد و شرّ یهود از سر مسلمانان کوتاه گردید.

تولد "سوف بدهن" فیلسوف و نظریه؛ rlm& پرداز؛ rlm& فرانسه‌ی (1809م) پیر ژوزف پرودون، یکی از متفکرین و صاحب نظران فرانسوی در امور سیاسی و اجتماعی، در 15 ژوئیه 1809م در خانواده؛ rlm& ای فقیر در شهر بزانشون فرانسه به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات متوسطه و دانشگاه، جزوه؛ rlm& ای تحت عنوان "مالکیت چیست" منتشر کرد که باعث شهرت او شد. پرودون معتقد بود که کارگر و کارفرما باید با رعایت تساوی مقدار محصول و مزد، و فروشنده و خریدار با ملاحظه تساوی قسمت محصولات، یک؛ rlm& دیگر را کمک کنند تا جامعه سعادت مند شود. او در سال 1846 کتابی به نام "نظام تناقض اقتصادی یا فلسفه فقر و بیچارگی" منتشر نمود و به دلیل تند و جسارت نوشته؛ rlm& هایش، به سه سال حبس محکوم شد. پرودون زندگی بسیار ساده؛ rlm& ای داشت و به اصول اخلاقی پای؛ rlm& بند بود. وی ایمان محکمی به حیثیت و آزادی مردم داشت و با هر فرضیه و نظری که شخصیت فرد را از میان بردارد و از پیشرفت آزادانه او و ابتکاراتش جلوگیری کند، به سختی مخالفت می؛ rlm& کرد. از این رو بود که با سن سیمون، فیلسوف فرانسوی و کارل مارکس، نظریه پرداز آلمانی و عقاید آن؛ rlm& ها مخالفت می؛ rlm& ورزید. پرودون بر این باور بود که جامعه باید از اتحادیه کوچکی تشکیل شود که با هم پیوستگی داشته باشند و امور آن؛ rlm& ها به نحوی اداره گردد که نیازی به حکومت پیدا نکنند. وی به مسئولیت اخلاقی افراد اهمیت بسیار می؛ rlm& داد و می؛ rlm& گفت، هر انضباطی که به مردم تحمیل گردد اشتباه است. او اولین کسی است که لفظ آنارشی یا اغتشاش و هرج و مرج را به کار برد ولی نه به معنی انقلابی آن، بلکه بدین معنی که آنارشی و مردم بدون حکومت، کامل؛ rlm& ترین سازمان اجتماعی بشر می؛ rlm& باشد زیرا مدعی بود که حکومت هر فرد بر دیگری، به هر شکل و طریق که باشد، ظلم و ستمگری محسوب می؛ rlm& شود. ژوزف پرودون سرانجام در 16 ژانویه 1865م در 56 سالگی درگذشت.

می؛ rlm& باشد. طبق قول مشهور، آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سن 35 سالگی عهده؛ rlm& دارمقام ولایت و رهبری شد و مدت امامت آن حضرت 20 سال به طول انجامید، که 10 سال آن با خلافت هارون؛ rlm& الرشید و 5 سال با خلافت محمد امین و 5 سال دیگر با خلافت عبدالله مامون مصادف بود. از عمر آن حضرت در هنگام شهادت، 54 سال و 3 ماه و 19 روز می؛ rlm& گذشت.